



In The Name Of God

فناى عرفانى و چالشها طوفانى در شعر ايرانى

* ايراندو طرحى نو در شعر ايرانى و نقد عروض و قافيه

(كتاب دوم از مجموعه جهان بينى صفر و يك)

محمد دانشمند



(تابش اصفهاني)

سرشناسه: دانشمند، محمد، ۱۳۵۴ -

عنوان و نام پدیدآور: فنای عرفانی و چالش‌های طوفانی در شعر ایرانی: ایران‌دو طرحی نو در شعر ایرانی و نقد عروض و قافیه/محمد دانشمند.

مشخصات ظاهری: ۱۸۱ ص.

فروست: مجموعه جهان‌بینی صفر و یک.

مشخصات نشر: اصفهان: سیمای فلق، ۱۴۰۲

شابک: ۹۷۸-۶۷۲-۶۴۷۲-۷۷-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

عنوان دیگر: ایران‌دو طرحی نو در شعر ایرانی و نقد عروض و قافیه.

موضوع: یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره - شعر فارسی - قرن ۱۴ -

Persian poetry - 20th century - *Annihilationism (Mysticism)

رده‌بندی کنگره: PIR۸۳۴۳

رده‌بندی دیویی: ۸۶۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۷۸۲۷۳

مشخصات کتاب

عنوان کتاب: فنای عرفانی و چالش‌های طوفانی در شعر ایرانی

نویسنده: محمد دانشمند

مدیر تولید: محمد کمال

شابک: ۹۷۸-۶۷۲-۶۴۷۲-۷۷-۷

نوبت و تاریخ چاپ: اول، ۱۴۰۲

شمارگان: محدود

ناشر: انتشارات سیمای فلق



www.falagheoft.ir

۰۹۱۱۳۱۰۳۶۸۵۰ / ۰۹۱۳۱۶۴۹۸۹۳ / ۰۳۱۳۷۸۰۰۸۰۳

مقدمه ۱۲

- سخنى با خوانندگان محترم ۱۳
- تقديم كتاب ۱۴
- نام و قانون پيشنهادهى و تجربه گرایی ۱۵
- گنجور ۱۵
- ترجمه آيات قرآن ۱۶
- جهانى بينى صفر و يك و فناى عرفانى ۱۶

بخش اول: شعر و خاطره ۱۷

- شعر و موسيقى از دوران كودكى ۱۸
- شعر و موسيقى در دوره دبیرستان ۱۹
- يادمان شهر اصفهان ۲۲
- ياد استاد: دوران نوجوانى ۲۴
- شعر و موسيقى در دوره دانشجوئى ۲۵
- روز جدایی ۲۷
- شعر و موسيقى در دوره دوازده ساله ۲۸

بخش دوم: فناى عرفانى ۲۹

- فكر و اندیشه و دانش‌هاى مرتبط با آن ۳۰
- تمرکز و تمرکز فكر ۳۰
- افكار غير اختيارى و ناخواسته و نقش انسان ۳۱
- سه نقطه ضعف بزرگ انسان در كنترل ذهن ۳۲
- نقش خالق هستى در كنترل ذهن ۳۳
- روش‌هاى افزايش تمرکز فكر ۳۴
- هدف از تمرکز فكر در رشته‌هاى گوناگون علمى ۳۴
- رابطه حس و تمرکز فكر ۳۵

- ۳۵ حس پش‌توانه دار و بدون پش‌توانه
- ۳۶ تمرکز فکر در دوران کودکی
- ۳۶ تمرکز فکر در دوره نوجوانی و جوانی
- ۳۷ تمرکز فکر در دوره بزرگسالی
- ۳۸ فنا به جای تمرکز فکر
- ۳۸ فنا‌ی عرفانی
- ۴۰ فنا‌ی عقلانی
- ۴۰ شب‌های انس و شب‌های میهمانی و فنا‌ی انسانی
- ۴۱ فنا‌ی جسمانی
- ۴۲ فنا‌ی غریزی، ش‌هوانی و شیطانی
- ۴۳ دعا و چشم زخم
- ۴۴ فنا‌ی خاکی افلاکی
- ۴۴ فنا در نظام هستی
- ۴۵ فنا‌ی اختیاری و تمرکز فکر اختیاری (کار عمیق)
- ۴۵ انجماد فکری
- ۴۶ قانون کلی فنا‌ی عرفانی
- ۴۷ حواس پرتی و آفت‌های تمرکز فکر
- ۴۷ چسبک‌ها و سیاهی درون
- ۴۸ برنامه فنا‌ی عرفانی در دوره دوازده ساله
- ۴۹ شعر خاکی افلاکی
- ۵۰ درجه‌بندی آهنگ‌ها
- ۵۲ شروع طوفانی
- ۵۳ صوت قرآن و دعا
- ۵۴ یکتایی انسان و موسیقی
- ۵۵ هر کس به دنبال علاقه خود می‌رود
- ۵۵ مخالفت با سرودن شعر تا پیش از بهار سال ۱۳۹۸
- ۵۷ منتقد شعر عرفانی

۵۷	شگفتانه بهار سال ۱۳۹۸.....
۵۸	بخشى از منظره ى خيالى بين انسان و مگس.....
۵۹	سرودن اولين شعر (شگفتانه بهار ۱۳۹۸).....
۶۲	روزي كه من شاعر شدم.....
۶۲	ثبت اولين شعر در شبكه‌هاى اجتماعى.....
۶۳	غزل مدعى (نسخه مشهور) و پاسخ‌ها.....
۶۳	پاسخ اول.....
۶۴	پاسخ دوم.....
۶۴	نگاهى به شعر مدعى حافظ.....
۶۷	نقد ادبى شعر فارسى.....
۶۸	نياز به چالش براى جوانان امروز و زدودن پرده‌هاى تعصب.....
۶۹	پاسخ به يك پرسش مهم.....
۶۹	درجه‌بندى شعر توسط بزرگان موسيقى و آواز.....
۷۰	چالش ادبى و نقدهاى بدون چالش.....
۷۱	چالش‌هاى سازنده.....

بخش سوم: چالش‌هاى طوفانى در شعر ايرانى.....۷۳

۷۵	چالش انتقادى - توكل.....
۷۷	دورى از توكل.....
۷۷	چالش دفاعى - نقد ادبى.....
۷۸	چالش دفاعى - پاسخ به مرد منطقى.....
۷۸	چالش دفاعى - استاد.....
۷۹	چالش دفاعى - راه تركستان.....
۷۹	چالش دفاعى تاريخى - پاسخ كوينده.....
۸۰	چالش دفاعى - انتقاد.....
۸۰	چالش دفاعى - تلاش بيهوده.....
۸۰	چالش پيشنهادهى - سعدى.....

- چالش دفاعى - اسرار حق ۸۱
- چالش دفاعى - باز هم پاسخ به منتقدین ۸۲
- چالش انتقادى - گروه‌هاى اجتماعى در شعر ۸۲
- چالش پيشنهادهى - سعدى ۸۴
- چالش پيشنهادهى - مولوى ۸۶
- چالش پيشنهادهى - مولوى ۸۶
- چالش پيشنهادهى - مير فندرسكى ۸۷
- چالش پيشنهادهى - عارف ربانى يا عالم ربانى ۸۷
- چالش پيشنهادهى - بابا طاهر ۸۸
- چالش پيشنهادهى - وحدت وجود ۸۹
- چالش سازنده - رهى معبرى ۹۰
- چالش سازنده - حافظ ۹۲
- چالش سازنده - مولوى ۹۲
- چالش سازنده - رضى الدين آرتيميانى ۹۳
- چالش سازنده - فردوسى ۹۳
- چالش سازنده - همای رحمت ۹۴
- چالش سازنده - مولوى ۹۵
- چالش سازنده - نگاه از زاويه ديگر ۹۵
- چالش تاريخى - مير داماد ۹۶
- چالش تاريخى - نقد ويرانگر ۹۶
- چالش تاريخى - طيب ۹۷
- چالش اصلاحى - پرهيز از خود بينى ۹۷

بخش چهارم: وزن و قافيه در شعر فارسى ۹۹

- آشنايى با قافيه و قوانين سخت گيرانه در آن ۱۰۰
- خانه مادر بزرگ ۱۰۱
- تلاش براى سرودن شعر در قالب عرفانى ۱۰۳

۱۰۴	قافيه در زبان فارسى و عربى
۱۰۴	قدرت زبان عربى در قافيه سازى
۱۰۵	شعر چند قافيه‌اى (مخمس)
۱۰۶	شعر نو مثنوى
۱۰۸	آشنايى با وزن‌هاى عروضى
۱۰۹	شعر بى وزن
۱۱۰	غزل پر قافيه - شکرانه
۱۱۰	تغيير برخى کلمات فارسى در قافيه
۱۱۱	هجا و وزن عروضى
۱۱۳	رکن
۱۱۳	پيشنهاد معادل‌هاى فارسى
۱۱۴	پيدا شدن نام "جهان بينى صفر و يك"
۱۱۵	راز وزن‌هاى عروضى

بخش پنجم: ايراندو: وزن شعر با الفباى موسيقى

۱۱۹	"ايراندو" زبانى كه نياز به آموزش ندارد
۱۲۰	رايجترين اوزان شعر فارسى
۱۲۲	قوانين نانوشته و ناپيدا در وزن شعر و قانون گع
۱۲۳	محدوديت در تعداد وزن‌هاى شعر فارسى
۱۲۳	بحر‌هاى فارسى به جاى عربى
۱۲۵	نسبت وزنى
۱۲۵	وزن سبك و وزن سنگين
۱۲۶	مشكل وزن‌هاى عروضى و موسيقى شعر
۱۲۷	مشكل بزرگ سه هجاى كشيده يا "دو دو دو"
۱۳۰	دو قالب براى برخى وزن‌هاى عروضى
۱۳۰	خطاى بزرگ در ارکان ۵ هجايى و علامت اختياري "/"
۱۳۳	بررسى يك وزن ۴ ركنى

۱۳۴	بررسی یک وزن ۷ رکنی.....
۱۳۵	وزن مشکوک و عدد گذاری در وزن.....
۱۳۶	وزن مصرع به جای وزن شعر.....
۱۳۶	شعر چند وزنی.....
۱۳۷	سنگین ترین وزن شعر فارسی.....
۱۳۹	وزن‌های سبک.....
۱۴۰	نمونه‌هایی از وزن‌های سنگین.....
۱۴۱	"سی سی" و "سی دو".....
۱۴۲	نمایش خلاصه تر در وزن شعر.....
۱۴۳	نیاز به طرح نو در وزن شعر فارسی.....
۱۴۴	دور باطل در وزن عروضی.....
۱۴۴	اندر احوال شاعران.....

بخش ششم: گلچین شعر و غزل..... ۱۴۵

۱۴۶	چاپ کتاب شعر جهان بینی صفر و یک.....
۱۴۷	دو بیتی.....
۱۴۸	سایه‌ی سیمرغ.....
۱۴۹	ارزش حکمت.....
۱۴۹	حل معما.....
۱۵۰	بار امانت.....
۱۵۰	غزل انتظار: جدال جاهلان.....
۱۵۲	شکارچی زمان.....
۱۵۲	خاک وطن.....
۱۵۳	از عشق خاکی تا افلاکی.....
۱۵۴	سیمای مردان خوش اخلاق.....
۱۵۴	جنگل کویری.....
۱۵۵	افیون.....

فناى عرفانى و چاشماطوفانى در شعر ايرانى

- ۱۵۵ عرفان‌هاى كاذب و دروغين
- ۱۵۷ غزل خورشيد
- ۱۵۷ آينه
- ۱۵۹ مناجات سحرگاهى
- ۱۵۹ غزل حماسى
- ۱۶۰ غزل انتظار: جنگ آدم‌ها
- ۱۶۲ غزل انتظار: توبه‌ى من
- ۱۶۲ غزل انتظار: جدال جاهلان
- ۱۶۴ مثنوى انتظار: پندار باطل
- ۱۶۵ ملك جاويدان
- ۱۶۶ مرد پاكبان
- ۱۶۷ شيون بر دنيا
- ۱۶۸ بركت مال
- ۱۶۸ نام شعر: بايدها

بخش هفتم: مثنوى آفرينش در ۴ بند ۱۶۹.....

- ۱۷۰ مثنوى آفرينش - بند ۱ - شاگردى انسان در پيشگاه عنكبوت
- ۱۷۴ مثنوى آفرينش - بند ۲ - مگس‌هاى باغ
- ۱۷۷ مثنوى آفرينش - بند ۳ - پرواز شاپرك‌ها
- ۱۷۹ مثنوى آفرينش - بند ۴ - زنبور عسل

مقدمه

خداوند متعال را شاکرم، که هم‌نشینی با خوبان و مهر نیکان و خوشه چینی از خرمن بزرگان را روزی‌ام گردانید. هر چند با وجود این همه نعمت، عمر گرانبهای خود را به غفلت و بی‌خبری گذراندم.

در طول زندگی، هر چه به دست آوردم تنها لطف و کرم و احسان خالق هستی بوده و هر چه خود کرده‌ام، جز تباهی و خسران چیزی نبوده است.

خدایا، توفیقی عطا کن که این نوشته راهی برای رسیدن به تو باشد و زحماتی که در طول سال‌ها برای آن کشیده‌ام مایه خسران و تباهی نگارنده نگردد.

از اولین روزهایی که در دوران نوجوانی قلم به دست گرفته و شروع به خاطره نویسی کردم همواره آرزو داشتم روزی خاطرات و یادداشت‌ها و برنامه‌های خود را خود را در اختیار دوستان و علاقمندان قرار دهم، تا اینکه به مرور زمان امکان فراهم شد و به آرزوی دیرینه خود رسیدم و از این جهت سر بر سجده شکر می‌نهم.

آرزو دارم این نوشته مورد توجه همه رهروان کوی حق قرار گیرد. از خانواده عزیزم انتظار دارم به این نوشته توجه داشته باشند و بنده را از راهنمایی ارزنده خود بی‌بهره ن سازند. همچنین از فرزندان عزیزم انتظار دارم این نوشته را خوانده و اگر در آن نشان هدایتی یافتند از آن در مسیر کمال استفاده کنند.

سخنى با خوانندگان محترم

خواننده گرامى! براى ما جاى بسى افتخار است كه اين كتاب را براى مطالعه انتخاب فرموديد. خواهشمند است جهت بهبود كتاب، ما را از نظرات ارزشمند خود بهره‌مند سازيد. نظرات خود را در قالب نام كتاب، طرح رو و پشت جلد، وزن و قافيه و محتوای اشعار سروده شده با ما در ميان گذاريد. با سپاس از انتخاب و همراهى شما خاك پاى اهل معنا،

محمد دانشمند - تابستان ۱۴۰۲

خاك پاى اهل معنا كيست من	قطره اى در پيش دريا كيست من
آن گداى هر شب ميخانه ها	تا سحر شبگرد تنها كيست من
پيش اقيانوس بى حد وجود	آن عدم در عمق و ژرفا كيست من
چون پر كاهى ميان كوچه ها	قاصدك در دشت و صحرا كيست من
ذره اى از كوه شن‌هاى روان	در كويرى آتش افزا كيست من
من همان صفرم به معنای عدم	گم شده در صفر و يكها كيست من



تقديم كتاب

اين نوشته را از طرف پدر و مادر عزيزم، و از طرف باغبان باغ زندگى و گل هاى آن (همسر عزيز و فرزندانم) و از طرف اساتيد بزرگوارى كه افتخار شاگردى آنان را داشته ام و از طرف خوانندگان محترم، به آستان پر مهر موعود مهربان (امام زمان عليه السلام) تقديم مى كنم.

من تشنه لب فتادم، در كنج اين بيابان
مولای من كجايی؟ ای یار مستمندان

چشمان من چو يعقوب، روزی شود سپید از
هجران روی يوسف، مولای بی نوایان

چشمان من چه ارزد، در پيش خاک پايش
گر قصد جان نمايد، جانم فدای جانان

عمرم تباه گشت، اين شب سحر نگرديد
كو آب زندگانی؟ در كام تشنه كمان

ای روشنايی صبح، از كوه هاى مشرق
بيرون بيا چو خورشيد، پر نور و پرتو افشان

احوال مصر و كنعان، احوال مردم ماست
يك سو بلا و محنت، يك سوى رنج و طغيان

نام و قانون پیشنهادی و تجربه‌گرایی

این کتاب دومین کتاب از مجموعه جهان بینی صفر و یک است که به قلم نگارنده به رشته تحریر در می‌آید در این مجموعه با نام‌های پیشنهادی تازه‌ای آشنا خواهید شد که خاص این کتاب است. از آنجایی که این کتاب گزارشی از یک تجربه سی ساله همراه با آزمون و خطاهای بسیار است، برخی از مطالب کتاب و برخی نام‌ها و قوانین تازگی دارد که در پاورقی‌ها به آن اشاره خواهد شد.

توجه: اینکه در پاورقی‌ها نام‌هایی به عنوان نام‌های پیشنهادی آمده به این معنی نیست که در جای دیگری به کار نرفته است. ممکن است در منابع دیگر چنین نام‌هایی به کار رفته باشد که بنده از آن بی اطلاع هستم.

در این نوشته نام‌ها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار هستند و برای همین است که نام‌های تازه در این نوشته پیشنهاد شده است.

از آنجایی که برای تولید محتوا به کلمات زیادی نیاز داشتم نرم‌افزاری برای تولید کلمات تهیه شد که تمام ترکیبات ممکن از چند حرف را نشان می‌داد. از کلمات ساخته شده می‌توان به "ایراندو" اشاره کرد که در آن "دو" اولین نت از نت‌های هفت گانه موسیقی است.

گنجور

نرم‌افزار گنجور در حال حاضر یکی از مهمترین منابع شعر فارسی به شمار می‌رود این نرم‌افزار قابلیت یادداشت‌گذاری را برای اهل ادب فراهم کرده است.

بنده در این نرم‌افزار صفحه‌ای به نام "تابش اصفهانی" ساختم و پیش از انتشار کتاب، برخی مطالب را در آنجا به اشتراک گذاشتم تا مورد نقد و بررسی علاقمندان شعر و ادب قرار گیرد و اگر نیاز به اصلاح دارد اصلاحاتی در آن انجام شود.

با جستجوی "گنجور تابش اصفهانی" می‌توانید برخی از این نقدها را نگاه کنید و همانجا نظر خود را با ما در میان گذارید.

هر جا شعری از دیگران ذکر شده، سعی شده است نام شاعر آورده شود. اگر جایی از قلم افتاده باشد با ما در میان گذارید.

ترجمه آیات قرآن

ترجمه آیات قرآن کریم اکثراً از ترجمه الهی قمشه ای (نرم‌افزار ذکر) گرفته شده است.

جهانی بینی صفر و یک و فنا‌ی عرفانی

فنا‌ی عرفانی نام دومین کتاب از مجموعه جهان بینی صفر و یک است، بنده تمامی فعالیت‌های فرهنگی خود را در قالب کتاب یا فضای مجازی تحت نام "جهان بینی صفر و یک" منتشر می‌کنم.

اولین کتاب از این مجموعه که گلچینی از اشعار سروده شده توسط نگارنده است در سال ۱۴۰۰ با نام "جهان بینی صفر و یک" به چاپ رسید. هرچند در آن کار که اولین تجربه نشر کتاب بود تجربه چندانی نداشتم و چاپ آن کتاب بیشتر حالت یک دست‌گرمی برای کارهای بعدی را داشت.

بخش اول

شعر و خاطره

شعر و موسيقى از دوران كودكى

از دوران كودكى به موسيقى علاقه زيادى داشتم و با نواى گرم آن به حس عجيبى مى‌رسيدم. در دوران كودكى فيلم "سر به داران" از تلوزيون پخش مى‌شد، آهنگ اين شعر را دوست داشتم و هم اکنون، با شنيدن آن، به ياد روزهاى كودكى مى‌افتم كه در كنار پدر و مادر مى‌نشستيم و "سر به داران" مى‌ديديم و خاطرات كودكى زنده مى‌شود. از دوران كودكى ته صدايى داشتم و اطرافيان و دوستان مرا براى خواندن آواز يا قرائت قرآن تشويق مى‌كردند. در نتيجه در مجالس ختم سوره انعام و در مجالس ديگر قرآن مى‌خواندم همچنين در دوره راهنمايى تك‌خوان گروه سروده بودم. ماجراى تك خوانى گروه سرود اينطور شروع شد كه روزى معلم هنر جناب آقاى شناور اين شعر را در كلاس درس آورد و به تك تك دانش آموزان نشان داد كه آن را با آواز بخوانند.

كجايد اى شهيدان خدايى	بلا جويان دشت كربلايى
كجايد اى سبك روحان عاشق	پرنده تر ز مرغان هوايى

(مولوى)

اين شعر را از راديو تلوزيون شنيده بودم، با همان آهنگ آن را خواندم، و در نتيجه به عنوان تك خوان گروه كلاس، و سپس تك خوان گروه سرود مدرسه انتخاب شدم. يكسال با اين گروه سرود، در مسابقات سرود شهر مباركه (اصفهان) شركت كرديم ولى رتبه‌اى نياورديم. به جز من در مدرسه دوستم آقاى رحمانى صداى خوبى داشت. در مسابقات سال بعد، شعرى توسط معلم پرورشى انتخاب شد. اين شعر را براى آهنگ گذارى به من و آقاى رحمانى دادند تا روى آن آهنگى بگذاريم. شعر اين بود:

آدمى راز شرف تاج كرامت به سر است

حيف و صد حيف كه بيچاره ز خود بي خبر است

(صغير اصفهانى)

آهنگى كه دوستم روى شعر گذاشت بهتر از من بود براى همين ايشان به عنوان تك خوان گروه انتخاب شد. آهنگ به قدرى زيبا بود كه در دل او را تحسين كردم.

در گروه جديد ايشان تـك خوان شد با اين گروه به مسابقات سرود در شهر مبارکه رفتيم و اين بار رتبه آورديم و به مسابقات استانى در شهر اصفهان راه يافتيم. شرکت در اين مسابقات خاطره انگيز بود، هر چند در آن رتبه نياورديم. اين اولين تجربه آهنگ گذارى براى يک شعر بود که در دوره راهنمايى انجام دادم.

شعر و موسيقى در دوره دبیرستان

سال ۱۳۸۶ در آزمون دبیرستان نمونه طالقانى اصفهان (در خيابان جى) قبول شدم و در اين دبیرستان در رشته رياضى و فيزيک ديپلم گرفتم. در اين دوره با موسيقى سنتى عرفانى آشنا شدم و با نغمه هاى جان پرور اين موسيقى به حالتى مى رسيدم که در سال هاى بعد آن را "فناى عرفانى" ناميدم.^۱ وقتى با شنيدن اين نغمه ها به چنين حالتى مى رسيدم، سعى مى کردم اين حالت را در طول عمر جاودانه کنم و براى رسيدن به آن سال ها تلاش کردم.

در ازل داده است ما را ساقى لعل لبـت

جرعه ي جامى که من مدهوش آن جامم هنوز

(حافظ)

در آن دوره با نوارهاى کاست، موسيقى گوش مى کرديم. آلبوم "باغ ارغوان" استاد حسام الدين سراج و آلبوم "بى قرار" استاد شهرام ناظرى، آلبوم هاى بودند که با آن ها انس و رابطه عجيبى برقرار کرده بودم. در اردوبي که از طرف دبیرستان با اتوبوس به شهر سميرم رفتيم، در طول راه آلبوم "باغ ارغوان" را در اتوبوس مى شنيديم. آن روز يکى از بهترين و خاطره انگيزترين روزهاى زندگى ام بود. آن روز در کنار دوستان يکدل و اساتيد صميمى از منظره هاى زيباى جاده اصفهان سميرم لذت مى برديم و همزمان به نواى استاد سراج گوش مى کرديم. (شعر از حافظ)

که عشق روى گل با ما چه ها کرد
که بامن هرچه کرد آن آشنا نکرد

سحر بلبل حکايت با صبا کرد
من از بيگانگان هرگز ننام

فنا‌ی عرفانی و چاشما‌طوفانی در شعر ایرانی

هیچگاه خاطره مراسم صبحگاهی را فراموش نمی‌کنم، که آلبوم "بی قرار" استاد ناظری از بلندگوی دبیرستان پخش می‌شد، و مرا بی آرام و قرار می‌کرد. وقتی یک موسیقی در یک فضای باز و با صدای بلند پخش شود، حس و حال بیشتری را منتقل می‌کند. اوج تاثیر یک موسیقی این است که در یک فضای بزرگ، پخش شود و تمام فضا را پر کند.

در هوایت بی قرارم روز و شب	سر ز کویت بر ندارم روز و شب
جان روز و جان شب ای جان تو	انتظارم انتظارم روز و شب
ای مهار عاشقان در دست تو	در میان این قطارم روز و شب
زان شبی که وعده کردی روز وصل	روز و شب را می شمارم روز و شب

(مولوی)

به جز موسیقی عرفانی، به شعر عرفانی هم علاقه داشتم. مثل این شعر از هاتف اصفهانی که در کتاب‌های درسی بود. وقتی این شعر را می‌خوانم همان شور و حال عرفانی که در دوره دبیرستان در کنار دوستان صمیمی و اساتید گرانقدر این دبیرستان پیدا می‌شد، برایم بازسازی می‌شود. این شعر توصیف جالبی از حالت فنا‌ی عرفانی است.

ای فدای تو هم دل و هم جان	وی نثار رخت هم این و هم آن
دل فدای تو، چون تویی دلبر	جان نثار تو، چون تویی جانان
راه وصل تو، راه پرآسیب	درد عشق تو، درد بی درمان

بندگانی‌م جان و دل بر کف	چشم بر حکم و گوش بر فرمان
گر سر صلح داری، اینک دل	ور سر جنگ داری، اینک جان
دوش از شور عشق و جذبۀ شوق	هر طرف می‌شتافتم حیران

آخر کار، شوق دیدارم	سوی دیر مغان کشید عنان
چشم بد دور، خلوتی دیدم	روشن از نور حق، نه از نیران

هر طرف دیدم آتشی کان شب	دید در طور موسی عمران
پیری آنجا به آتش افروزی	به ادب گرد پیر مغیچگان

همه سیمین عذار و گل رخسار
عود و چنگ و نی و دف و بربط
ساقی ماهروی مشکین موی
همه شیرین زبان و تنگ دهان
شمع و نقل و گل و مل و ریحان
مطرب بذله گوی و خوش‌الحان

مغ و مغزاده، موبد و دستور
من شرمنده از مسلمانی
پیر پرسید کیست این؟ گفتند:
خدمتش را تمام بسته میان
شدم آن جا به گوشه‌ای پنهان
عاشقی بی‌قرار و سرگردان

گفت: جامی دهیدش از می ناب
ساقی آتش‌پرست آتش دست
چون کشیدم نه عقل ماند و نه هوش
گرچه ناخوانده باشد این مهمان
ریخت در ساغر آتش سوزان
سوخت هم کفر ازان و هم ایمان

مست افتادم و در آن مستی
این سخن می‌شنیدم از اعضا
که یکی هست و هیچ نیست جز او
به زبانی که شرح آن نتوان
همه حتی الورید و الشریان
وحده لاله الا هو

(هاتف اصفهانی)

همچنین به این شعر حافظ شیرازی که در کتاب‌های درسی بود علاقه زیادی داشتم. "جام جم" یا "جام جهان بین" در شعر حافظ حالتی است که در آن انسان "در همه احوال" به یاد خدا باشد، که این حالت، همان "فنائی عرفانی" است.

فنا‌ی عرفانی و چالش‌طوفانی در شعر ایرانی

سال‌ها دل طلبِ جامِ جم از ما می‌کرد
و آنچه خود داشت زیگانه تمنا می‌کرد
گوهری کز صدفِ کُون و مکان بیرون است
طلب از گمشدگان لبِ دریا می‌کرد
بی دلی در همه احوال خدا با او بود
او نمی‌دیدش و از دور خدایا می‌کرد
گفتم این جام جهان بین به تو کی داد حکیم
گفت آن روز که این گنبد مینا می‌کرد
(حافظ شیرازی گلچینی از ابیات)

این شعر، یکی از شاهکارهای حافظ شیرازی است که در کتابهای درسی دوره دبیرستان بود و تعریف دقیقی از فنا‌ی عرفانی به دست می‌دهد. از نگاه حافظ شیرازی حالت فنا‌ی عرفانی، حالتی است که انسان در هر لحظه به یاد حضرت حق باشد. آن چنان تحت تاثیر این شعر بودم که وقتی برای اولین بار خواستم، در شبکه‌های اجتماعی، نامی برای خود انتخاب کنم نام "جام جم" را انتخاب کردم و این نام از همین شعر حافظ گرفته شده بود. هر چند این نام به "تابش" تغییر یافت.

یادمان شهر اصفهان

شعری به یاد شهر اصفهان، قبرستان تخت فولاد، دبیرستان نمونه طالقانی در خیابان جی، و خیابان رکن الدوله



صدھا سلام اى اصفهان، اى شهر زيباى خدا هر گز نگردد ياد تو، از خاطر "تابش" جدا
آمد سخن از اصفهان، از خانه ي آيينه ها زاينده رودش با صفا^۲ در ساحلش گنجينه ها
با من بگو از شهر چي^۳، از تخت فولادش بگو راز لسان الارض^۴ را، در زير گنبدها بگو

تار جهانگيري بنه، تار دلت را ساز کن^۴ با زخمه اى بر تار دل، شورى دگر آغاز کن
از قبر ركن الدين بگو بانو امين را ياد كن^۵ با حمد و ياسين سوره اى مردان حق را شاد كن
اى تخت پولادين به تو صدھا سلام از اصفهان فيروزه اى اينك تو بر انگشتر نصف جهان

روزي در اينجا چله ها بيتوته ها گفتارها استاد و درس و مدرسه اندرزا ديدها
هر گز نرفت از ياد من آن روى مه سيمى تو آن روشنى در نيمه شب، آن نام پر معنى تو
در شهر جى در كوى جى^۶، هر روز و شب غوغاى ما يادش به خير آن بوستان، آن نازنين درياى ما

اى كوه ركن الدوله تو چون ماه تابان بوده اى در وادى علم و طلب چون باغ و بستان بوده اى
اى كوى علم و معرفت، يادى كن از ديدار ما يادى ز شاگردان و از، استاد و از گفتار ما
گاهى نگه بر آسمان، گاهى سخن با قدسيان يك شمع محفل در ميان بر گرد او پروانگان
اشكم كنون با خون دل، هر دم به سويى مى رود در ياد من هر صبح و شب، آيينه روى مى رود
جعفرعلى^۷ استاد ما، استاد بى همتاى ما آن مرد كردار و عمل، آن يار حق سيمى ما

۲- لسان الارض (به معنى زبان زمين) تكيه اى در قبرستان تخت فولاد

۳- جى نام قديم اصفهان و نام خيابانى به همين نام كه دبيران نمونه آيه الله طالقانى در آن بود.

۴- ميرزا جهانگير خان قشقايبى از علمائى مدفون در تخت فولاد اصفهان طبق عادت ايل كه هر از چندي براى مراودات به بازار اصفهان مى آمدند، روزى براى خريد از بازار اصفهان و تعمير تار به آنجا رفته بود و در حين جستجو استاد تارساز با صاحب نفسى برخورد مى كند كه هيچ كس نمى داند در اين ملاقات چه گذشت و چه گفته شد. ليكن اين ملاقات با جان خان چنان كرد كه شيفته و علاقه مند به آموختن علم و معرفت شد و روانه حوزه علميه صدر اصفهان شد و نام هاى خطاب به خانواده نوشت و آنجا ماند و تا آخر عمر منزل و ماوى خان همان مدرسه صدر بود تا جايى كه يكى از نزديكان خان مى گويد قريب به اين مضمون كه از ايشان شنيدم كه مى گفت آيا خداوند جايى زيباتر و بهتر از مدرسه صدر براى من آفريده است.

۵- بابا ركن الدين و بانو امين از علمائى مدفون در تخت فولاد

۶- جى نام قديم اصفهان و نام خيابانى به همين نام كه دبيران نمونه آيه الله طالقانى در آن بود.

۷- استاد جعفرعلى دبير دينى و استاد اخلاق دوره دبيران

یاد استاد: دوران نوجوانی

یادش به خیر و نیکی، دوران نوجوانی
در جستجوی یار، پیدا ولی نهانی

در پای درس استاد، زانو زدن نشستن
از نکته های نابش، مانند گل شکفتن

با دوستان یکدل، گل گفتن و شنیدن
از هر چه غیر جانان، دل کندن و بریدن

گاهی به کنج مسجد، در گوشه ای نشستن
از قیل و قال دنیا، تا ساعتی گسستن

از بهر یک تمرکز، رفتن به کوه و صحرا
پنهان و آشکارا، با نفس دون مدارا

از ماهِ روزه داری، درس سحر گرفتن
تا لحظه های افطار، با حسِ روزه رفتن

از اربعین موسی، درس چهل گرفتن
در آرزوی مقصود، در چله ای نشستن

که تشنه کام روزه، در اوج فصلِ گرما

فنا‌ی عرفانی و چاشماطوفانی در شعر ایرانی

گه صبر و استقامت، در فصل برف و سرما

هر کوششی در این ره، یک گوی آتشین شد

تا قلب سرد تیره، با آتشی قرین شد

یک عمر در طواف، این قبـله عاشقانه

بر ما عیان حقیقت، بیـرون ز هر فسانه

دنیا طلب به فکر، پاداش روز فـرداست^۸

اینجا شراب باقی، در عیش ما مهیاست

پرسی دلیل آتش، در عیش ما کدامست

بنگر به شعر تابش، آتش در آن عیانست

شعر و موسیقی در دوره دانشجویی

در سال ۱۳۷۲ در دانشگاه شهید باهنر کرمان در رشته مهندسی معدن قبول شدم در حالی که به این رشته علاقه‌ای نداشتم ولی به ناچار باید آن را ادامه می‌دادم.^۹ به همین دلیل امیدی به آینده نداشتم و نمره‌های خوبی نمی‌گرفتم و در دوره ۵ ساله دانشجویی مشکلات روحی فراوانی داشتم. در مسابقات قرآن دانشجویی همه ساله جزء رتبه‌های برتر بودم و در نتیجه در مسابقات سراسری قرآن شرکت می‌کردم. شرکت در این مسابقات که هر سال در یکی از استان‌ها برگزار می‌شد، بسیار پر شور و هیجان انگیز بود. هر چند در مسابقات سراسری رتبه‌ای نیاوردم. در دوره دانشجویی با نغمه‌های گرم دیگر اساتید

۸- در خصوص این بیت در چالش ادبی توضیح داده شده است.

۹- اینکه چرا باید به تحصیل ادامه می‌دادم برای اختصار حذف شده است.

فنا‌ی عرفانی و چاشماطوفانی در شعر ایرانی

موسیقی سنتی، همچون استاد شجریان و استاد علی رستمیان آشنا شدم. نوای گرم موسیقی سنتی، مونس شب‌هایی تنهایی دوره دانشجویی بود. یک پخش کوچک داشتم و در شب‌های تنهایی دوره دانشجویی، آلبوم "واله و شیدای استاد رستمیان" را می‌گذاشتم و بارها آن را می‌شنیدم و تمام آهنگ‌ها و نغمه‌های آن هنوز در ذهنم مانده است. خاطره روزی که در تالار وحدت دانشگاه نشسته بودیم و نوای گرم استاد ناظری از بلندگوهای تالار پخش می‌شد هر گز از خاطرم نمی‌رود شعر این بود:

یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا
یار تویی غار تویی خواجه نگهدار مرا
نوح تویی روح تویی فاتح و مفتوح تویی
سینه مشروح تویی بر در اسرار مرا

نور تویی سور تویی دولت منصور تویی
مرغ گه طور تویی خسته به منقار مرا
قطره تویی بحر تویی لطف تویی قهر تویی
قند تویی زهر تویی بیش میازار مرا

حجره خورشید تویی خانه ناهید تویی
روضه امید تویی راه ده ای یار مرا
روز تویی روزه تویی حاصل دریوزه تویی
آب تویی کوزه تویی آب ده این بار مرا

(مولوی)

این شعر به دلیل وجود قافیه‌های متعدد یک شاهکار ادبی است.



روز جدایی شعری است که به یاد روزهای تنهایی و ناامیدی دوران دانشجویی سروده شده است.

فغان از دل زارم، که هر لحظه به حالی است^{۱۰}
 گهی فصل رسیدن، گهی روز جدایی است
 گهی همراه یاران، در این میکده ساقی است
 گهی در پی غاری، به آن دهکده راهی است

گلی در چمن آمد، ز گلهای بهاری
 گهی شاد و غزلخوان، گه از غم به کناری
 خزان دیده و پژمرد، بهارش چو سر آمد
 ولی در دلش اُمید، بهاری دگر آید

۱۰- شعر دارای وزن سنگین وزن شعر: سی دو دو - سی سی دو دو (۲)

فناى عرفانى و چاشماطوفانى در شعر ايرانى

گهی مخزن اسرار، نهان از همه اغیار
به یک گوشه ی تنها، دهان بسته ز گفتار
گهی عازم مسجد، به تسبیح و نیایش
گهی خفته ز غفلت، گهی پیروی خواهش

شکایت کنم از دوست، که خون شد دل زارم
که عمرم به سر آمد، نجویی تو زحالم
خدایا به امیدم، بدان روز رهایی
که شاید به سر آید، چنین روز جدایی

شعر و موسیقی در دوره دوازده ساله

پس از پایان دانشگاه و خدمت سربازی ازدواج کردم و در رشته مورد علاقه یعنی مهندسی نرم افزار و برنامه نویسی مشغول به کار شدم، در این دوره مشتری هایی داشتیم که در استان هایی مثل اصفهان، شیراز، شهر کرد بودند و فاصله زیادی داشتند با خودروی شخصی به این شرکت ها که گاه تا دویست کیلومتر فاصله داشتند، سفر می کردم و از این جهت یک گردشگر استانی یا یک "استان گرد" بودم. در طول این سفرها، از زیبایی هایی طبیعت لذت می بردم. در خودرو، گاهی کتاب صوتی گوش می کردم، گاهی به نغمه های ملکوتی قرآن کریم و گاهی هم به نوای گرم موسیقی سنتی عرفانی گوش می کردم. اگر جایی در طول سفر منظره زیبایی می دیدم، توقف می کردم و مدتی در آنجا به تماشا می نشستم. آنجا بود که دانستم هر استان جاذبه های زیادی دارد که بسیاری از آن بی خبرند، و این جاذبه ها با سفر به اطراف استان قابل دیدن است. خصوصاً استان پهناور اصفهان.